

رزم پیشرفت مسلمانان

تربیت شدگان عصر جاهلیت یعنی: قبائل مختلف عرب نه تمدنی بخود دیده بودند و نه تعلیماتی داشتند، و نه قوانینی؛ و نه آدابی، و بالاخره از همه مزایای اجتماعی که موجب عظمت و رقاء است محروم بودند؛ هیچگاه انتظار نرفت که باوج مجد و عظمت ناملل گردند، و در زمان کمی فرمانروای ملل را قیمة آنروز شوند.

ملت‌های جهان هر کدام مانند ساختمانی هستند؛ چنانکه ساختمان اساسی بمصالح مستحکمی نیازمند است که طبق اسلوب صحیح و نظم کامل ساخته و پرداخته شده در مقابل باد و باران؛ زلزله و طوفان؛ مقاومت کند و باقی و پایدار بماند. سازمان يك ملت رشید هم پایه‌های محکم و اساسی یعنی اصول و آداب کامل و اخلاق عالی، محتاج است تا قابل بقا و پیشرفت باشد.

روی همین اصل باید فکر کرد که این‌طور و تحول عجیب برای اعراب از کجا پدید آمد؛ این عظمت و پیشرفت نتیجه کدام عامل است؟. جمعی که دیروز تمام قوای آنها در راه اختلاف و نفاق بکار افتاده بود، از همه نظام‌های اجتماعی دور بودند، باین سرعت شگرف دارای اتحاد کلمه و الفت و وحدت و عظمت شوند؛ دولت نیرومندی تشکیل دهند که ملت‌های بزرگ جهان آنروز در مقابلشان خاضع شوند و مطیع و فرمانبردار اصول و آداب آنها گردند!

واسعی اگر بنا است جمعیت عرب باین پیشرفت و عظمت موفق شود جزا اعراب یمن که سالها سلطنت‌ها دیده و حکمران‌های بزرگ‌گرا در دامن خود تربیت کرده باین عظمت

و موفقیت نرسیدند؟ چرا اعراب «غسان» مجاور شام که تحت حکومت متمدن روم بسر میبردند باین درجه ازشده نرسیدند؟ چرا اعراب «حیره» که در پرتو فرمانروائی دولت عظیم ایران میزیستند باین پیشرفت نائل نگردیدند؟

اگر آنان باین موفقیت میرسیدند خیلی عجیب نبودولی تعجب اینجاست که اعراب حجاز که این عظمت را اصلاً بخواب ندیده بودند و حتی خیالش را در مغز خود راه نمیدادند يك دغه نهضت عظیمی نمودند و حکومت و قدرت آنان بر سر دولت های بزرگ آنروز سایه افکنند.

سر این موفقیت چیست؟

تأییدات درخشان قرآن

رمز این موفقیت و علت این عظمت قرآن است، قرآن با تعلیمات درخشان خود این جمعیت متفرق و محروم را در مدت کوتاهی باوج اعتلاء و عظمت رسانید؛ روح اخوت، الفت، عدالت را در کالبد اجتماعشان دمید، سازمانی از آن جمعیت بوجود آورد که مانند يك بدن سالم، هر عضوی بجای خود طبق اصول و مبانی قرآن عمل و فعالیت می نمود. اصول تعلیمات جانبخش قرآن که موجب تحول و عظمت پایدار گردید چند چیز بود:

۱ - انسان اجتماعی است

انسان باید در سایه اجتماع زندگی کند و در پرتو کمک بیکدیگر باید احتیاجات زندگی وی تأمین شود ولی در زندگی اجتماعی باید این اجتماع بخدا ایمان داشته هدف اصلی آن تشویق بمصالح اجتماعی و جلوگیری از منکرات باشد «کنتم خیرامة اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تؤمنون بالله» یعنی شما بهترین امت ها هستید که در جهان پدید آمده، یکدیگر را بکارهای نیک امر میکنید و از منکرات جلوگیری می نمایید و ایمان بخدا دارید (آیه ۱۱۰ - سوره آل عمران)

۲ - میزان شخصیت تقوی است

شالوده شرافت و شخصیت را بر اساس تقوی استوار کرد و با کمال صراحت اعلان کرد.
«یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انشی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکر مکم عندالله اتقیکم» یعنی: ای مردم ما همه شما را در آغاز از یک مردوزن بوجود آورده ایم و شما را تیره ها و قبیله ها قرار داده ایم تا شناخته شوید همانا گرامی ترین شما نزد پروردگار

باقواترین شماست (آیه ۱۳ سوره حجرات) و بهین اعلان پرده های تمسب را پاره کرد و مقیاسهای دیگری که برای شرافت و شخصیت (از قبیل امتیازات نژادی و ثروت و نسب) بوجود آورده بودند بکلی محو و نابود کرد ، برای عرب نسبت به جم و سفید در مقابل سیاه اصلا امتیازی قائل نشد ؛ لذا می بینید که قرآن مقدس در موارد قانونگزاری و راهنمایی هیچگاه عرب را مخاطب قرار نداده و یا ایها العرب مثلا نگفته بلکه خطابات دلپذیرش همه « یا ایها الناس » و « یا ایها الذین آمنوا » است .

۳ - اصل عدالت و مساوات

قرآن مقرر داشته که اصل عدالت و تساوی در اجتماع نسبت بقوی و ضعیف باید رعایت شود ، البته در بسیاری از زمانهای پیشین ، در محاکمات و مجازات این اصل اساسی ابدأ رعایت نمیشده است قرآن باین اصل باندازه ای اهمیت داد که حتی در مورد دشمنان هم تاکید کرد که از حریم عدالت پایرون نگذارید فرمود : « یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین لله شهداء بالقسط و لا یجرمنکم شئنا ان قوم علی ان لا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للفقوی » یعنی ای اهل ایمان در راه خدا باید ادر استوار بوده بر سایر ملل عالم ، شما گواه عدالت باشید و البته شمارا نباید عدالت گروهی و ادار کنند که از طریق عدل بیرون روید ؛ عدالت کنید که عدل بقوی نزدیکتر از هر عمل است (آیه ۸ سوره مائده) .

۴ - زنده کردن حقوق زن

مردوزن را دو عضو متکامل اجتماع معرفی کرده و فرموده « و من آیات ان خلق لکم من انفسکم ازواجا لتسکنوا الیها و جعل بینکم مودة و رحمة » یعنی از آیات حکمت و قدرت خدا آنست که برای شما مردان ، از جنس خودتان جفتی بیافرید که با او انس و آرامش بیاید و میان شما رأفت و مهربانی برقرار فرمود (آیه ۲۱ سوره روم) .

در شخصیت بشری میان مردوزن تفاوتی قائل نشده در آیاتی که در امر ونهی و فضائل اعمال وارد شده مردوزن را قرین هم قرار داد و گفت « من عمل صالحا من ذکر و انثی و هو مؤمن فلنحینه حیوة طیبة و لنجزینهم اجرهم باحسن ما کانوا یعملون » یعنی : هر کس از مردوزن کلرنیکی انجام دهد و ایمان بخدا داشته باشد زندگانی پاکیزه و باسعادت باو میدهم و اجری بسیار بهتر از عمل نیکی که کرده با و عظمی کنیم (آیه ۹۷ سوره نحل) . البته برای مصالح اجتماعی طبق ناموس خلقت مرد را در اداره امور زندگی مزیتی

بخشید و فرمود: **الرجال قوامون على النساء** یعنی مردان را بر زنان حق نگهبانی و اداره کردن است (آیه ۳۴ سوره نساء) ولی سفارشهای اکیدی صادر کرد که مردان بازنها باید با اخلاق نیک رفتار کنند و گفت «وعاشروهن بالمعروف» یعنی با زنان بشکلی رفتار کنید (آیه ۱۹ سوره نساء).

۵ - پیروی از دلیل و منطق

قرآن پیروان خود را به تبعیت از دلیل و منطق امر فرموده و از تقلید در اصل دین جدا بر حذر داشته است، ولذا کسانی را که کور کورانه از معتقدات باطل گذشتگان پیروی مینمودند مذمت کرده و فرموده: «بل قالوا انا وجدنا آباءنا على امة وانا على آثارهم مهتدون»: یعنی مشرکان گفتند ما پدران خود را بر آئینی یافتیم و ما هم در پی آنها بر هدایت هستیم (آیه ۲۲ سوره الزخرف).

مسلمانان را بسطالیه دلیل امر فرموده و در چند مورد گفته «قل هاتوا برهانکم» یعنی بگودلیلتان را بیاورید.

۶ - شقاوت و سعادت را در سایه عمل میداند.

از نظر قرآن شقاوت و سعادت هر فردی وابسته بعمل است. و هر فرد یا اجتماع که خواهان سعادت است باید در این راه بکوشد و قدم بردارد چنانکه فرموده: «وان لیس للانسان الا ماسعی» یعنی: نیست برای انسان مگر همان چیزی که انجام داده است (آیه ۳۹ سوره النجم) و فرموده هرامتی مسؤل عمل خود میباشد «تلك امة قد خلت لها ما كسبت و لکم ما كسبتم و لاتستلون عما كانوا يعملون» یعنی امت های پیشین همه در گذشتند و هر چه کردند برای خود کردند و شما نیز هر چه کنید بخود کنید و شما مسؤل کار آنان نخواهید بود (آیه ۱۴۱ سوره بقره) و خاطر نشان ساخته که هلاکت و سقوط هر ملت معلول اعمال آنان میباشد و فرموده «تلك القرى اهلكناهم لما ظلموا» یعنی اینست شهر و دیار بیکه هلاکشان ساختیم چون ظلم و ستم کردند (آیه ۵۹ سوره کهف) و بقا و دوام هر ملتی رانیز معلول اعمال نیک آنها میداند «ولقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون» یعنی ما نوشتیم در زبور علاوه در کتب آسمانی پیشین نیز تذکر دادیم که بندگان نیکوکار وارث زمین خواهند شد (آیه ۱۰۵ سوره انبیاء).

۷ - پیشرفت در زندگی با سعادت اخروی منافات ندارد.

قرآن میگوید سعادت جهان آخرت؛ با سعادت مادی و پیشرفتهای علمی و صنعتی و با تمدنی

که بنظر رفاه زندگی بشر بوجود آمده منافات ندارد علاوه بر این بشر را با استفاده از مواد این عالم تشویق کرد و فرموده : « قل من حرم زینة الله التي اخرج لعباده والطيبات من الرزق » یعنی بگوای پیغمبر چه کسی زینت های خدا را که برای بندگان خود پدید آورده حرام کرده است ؟

۸ - قرعوب بفکر در آثار خلقت و عواقب امم

قرآن قوه فکر بشر را تحریک کرده آنان را ترغیب نموده که در موجودات متنوع جهان آفرینش غور و دقت کنند ، و از بدایع و اسرار آنها درسها بخوانند و فرموده « افلا ينظرون الى الابل كيف خلقت والى السماء كيف رفعت والى الجبال كيف نصبت والى الارض كيف سطحت » یعنی آیا در خلقت شتر نمیگردند که چگونه خلق شده است و آسمان چگونه برافراشته شده است و کوهها چگونه استوار گردیده و زمین چطور گسترده شده است (از آیه ۱۶ تا ۲۰ سوره غاشیه) .

و کسانی را که از دقت در آثار صنع الهی اعراض میکنند سخت مورد توبیخ قرارداد « و کاین من آیه فی السموات والارض یمرن علیها وهم عنها معرضون » یعنی چه بسیاری از آیات و نشانه های قدرت حق در آسمانها و زمین هست که مردم بر آن میگذرند و از آن روی میگردانند (آیه ۱۰۵ سوره یوسف) .

همچنین دستور داده در حالات ملت های گذشته تأمل کنند و علل پیشرفت و سعادت و سقوط و نکبت آنان را دریابند ؛ درس علم الاجتماع را از حالات و تاریخ امم بخوانند ، گفت « قل سیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبة المجرمین » یعنی بگو در روی زمین گردش کنید و سرانجام کار جنایتکاران را بنگرید (آیه ۶۹ سوره نمل)

۹ - تشویق بعلم

قرآن اعلام داشت که علمومی که در دست شماست و از گذشتگان شمارسیده است کم است تا در تحصیل علم بکوشند « وما اویتیم من العلم الا قلیلا » یعنی آنچه از علم بشما داده شده است بسیار اندک است (آیه ۸۵ سوره اسراء)

حتی به پیغمبر اسلام (ص) فرموده « و قل رب زدنی علما » یعنی بگو پروردگارا ! علم مرا زیاد کن (آیه ۱۱۴ سوره طه) و همین موجب پیشرفتهای علمی مسلمانان گردید بطوری که در مدت کمی تمدن علمی آنان در جمیع فنون پایه ای رسید که روزگار مثلش را ندیده

بود، مخصوصاً بیشتر پیشرفت علمی انسان در اثر تصریح قرآن بود باینکه مجموع قوای جهان مسخر انسان است «سخر لکم مافی السموات ومافی الارض» (آیه ۲۰ - سورة لقمان)

۱۰- دین با فطرات توأم است

قرآن تصریح کرد بر اینکه «دین» فطری انسان است و اسلام هم همان دین فطرت است اسلام یعنی تسلیم احکام الهی بودن و در طریق فطرت قدم برداشتن فرمود «فاقم وجهک للدين حنیفاً فطرت الله التي فطر الناس علیها» یعنی رو بجانب دین پاک اسلام آور و از این دین که فطرت انسان بر آن آفریده شده است پیروی کن (آیه ۳۰ سورة روم)

۱۱- دین حافظه صالح بشر است

قرآن در طی آیاتی بیان فرموده که دین بمنظور نفع و مصلحت بشر مقرر گشته و هدف دین آنست که بشر را از آلودگیها پاک ساخته بسعادتی برساند چنانکه میگوید «ما یرید الله لیجعل علیکم من حرج و لکن یرید لیطهرکم» یعنی خدا نمیخواهد شمارا بمشقت بیفکند ولی میخواهد شمارا پاکیزه گرداند (آیه ۶ سورة مائده)

۱۲- جای گیری از اختلاف

قرآن مسلمانان را از اختلاف جدا جلو گیری کرده و فرموده است «ولا تنازعوا فتفشلوا و تذهب یریحکم» یعنی بایکدیگر نزاع و اختلاف نکنید که سست میشوید و عظمت و حشمت شما از میان میرود (آیه ۴۷ سورة انفال)

و فرموده: «واعتصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفرقوا» یعنی همگی بر رشته الهی چنگ زده متفرق نشوید (آیه ۱۰۳ سورة آل عمران)

* * *

آری اجتماع عالم گیر و سعادت مند اسلامی بر این پایه های اساسی استوار گردید البته جامعه ای که دارای این امتیازات باشد باید بآن درجه از اوج عظمت برسد و اجتماعی که دارای این چنین اصول و تعلیمات باشد و آنها را از دست بدهد و رعایت نکند باید بوضع مثل امروز مسلمانان بیافتد.